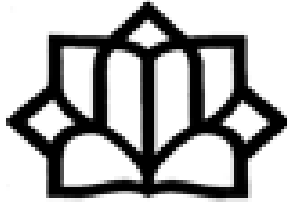


بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه کاشان

دانشکده‌ی ادبیات و زبان‌های خارجی

گروه زبان و ادبیات فارسی

پایان‌نامه جهت اخذ درجه‌ی کارشناسی ارشد

در رشته‌ی زبان و ادبیات فارسی

عنوان

نمادهای کهن‌الگویی در مثنوی معنوی

استاد راهنما

دکتر علیرضا فولادی

استاد مشاور

دکتر حسین قربانپور

توسط

عاطفه سادات میرقادری

مهر ۱۳۹۲

## سپاس

با سپاس از خداوند بزرگ و بخشنده

نخست از استاد عزیز و بزرگوارم جناب آقای دکتر علیرضا فولادی که به حقیقت لطفشان دایم بود و راهنمایی‌ها و همراهی‌هایشان در تمام مراحل کار مایه‌ی تشویق و دلگرمی، صمیمانه سپاسگزاری می‌کنم.

سپس از استادان محترم جناب آقای دکتر حسین قربان پور به عنوان استاد مشاور و آقایان دکتر سید مهدی متولی و دکتر امیر حسین مدنی که زحمت مطالعه و داوری پایان‌نامه را به عهده گرفتند و در جلسه‌ی دفاعیه شرکت نموده‌اند، تشکر و قدردانی می‌نمایم.

بر خود لازم می‌دانم از اساتید فرهیخته و بزرگوار دوره‌ی کارشناسی جناب آقای دکتر محمود عابدی که از لحظه‌ی لحظه‌ی حضورشان بهره‌ها بردم و نیز جناب آقای دکتر مسعود جعفری که کلامش چراغی بر سر راه اینجانب در انتخاب موضوع این رساله بود، هم‌چنین دیگر اساتید دوره‌ی کارشناسی و کارشناسی ارشد تشکر و قدردانی نمایم و مراتب سپاس را در حق ایشان به جا آورم.

در پایان از زحمات بی‌دریغ پدر و مادرم که در طول مسیر زندگی همراهم بودند، تشکر می‌نمایم.

## چکیده

کهن‌الگو از اصطلاحاتی است که توسط روان‌شناس سوئیسی، کارل گوستاو یونگ مطرح گردیده است. یونگ با بررسی در اسطوره‌های ملل گوناگون و آیین‌های شرق و عرفان شرقی و نیز سفر به کشورهای دیگر به این نتیجه رسید که فرهنگ‌های اقوام مختلف با وجود تفاوت‌های ظاهری از جهات زیادی دارای شباهتند و این شباهت‌ها مختص نوع بشر است. این مسئله ریشه‌ی طرح نظریه‌ی کهن‌الگوها و صورمثالی بود. امروزه کهن‌الگو از اصطلاحات کلیدی نقد ادبی و به ویژه نقد اسطوره‌ای است و کندوکاو در نمادهای کهن‌الگویی که در واقع شکل ظاهری کهن‌الگوها هستند، از علاقه‌های مهم پژوهشگران ادبیات به شمار می‌آید. در این پژوهش، نمادهای کهن‌الگویی مثنوی معنوی مورد مطالعه قرار گرفته است. این پژوهش طی دو فصل اصلی، ابتدا کلیاتی درباره‌ی کهن‌الگو متذکر می‌شود و بعد نمادهای کهن‌الگویی مثنوی را مطابق طبقه‌بندی پیشین آن‌ها معرفی می‌کند.

کلمات کلیدی: شعر فارسی، یونگ، کهن‌الگو، مثنوی، نماد.

## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱.....	مقدمه
۱.....	بیان مسئله
۱.....	اهداف تحقیق
۲.....	فرضیه و سؤال‌های تحقیق
۲.....	پیشینه‌ی تحقیق
۳.....	روش تحقیق
۴.....	فصل اول: کلیات
۵.....	۱.۱. درآمدی بر مفهوم ناخودآگاه جمعی و کهن‌الگو
۵.....	۱.۱.۱. ناخودآگاه جمعی
۶.....	۲.۱.۱. کهن‌الگو
۸.....	۱.۲.۱.۱. کهن‌الگو و اسطوره
۹.....	۲.۲.۱.۱. کهن‌الگو و رؤیا
۱۰.....	۳.۲.۱.۱. کهن‌الگو و نماد
۱۴.....	۲.۱. طبقه‌بندی کهن‌الگوها
۱۴.....	۱.۲.۱. طبقه‌بندی کهن‌الگوها براساس نظریه‌ی ویلفرد. ال. گورین
۱۹.....	۲.۲.۱. نظریه‌ی مایکل پالمر درباره‌ی انواع کهن‌الگوها

۲۰.....	۳.۲.۱. نظریه‌ی فریدا فوردهام درباره‌ی انواع کهن‌الگوها.....
۲۰.....	۴.۲.۱. طبقه بندی کهن‌الگوهای مثنوی.....
۲۰.....	۱.۴.۲.۱. کهن‌الگوهای انسانی.....
۲۱.....	۲.۴.۲.۱. کهن‌الگوهای طبیعی.....
۲۱.....	۳.۴.۲.۱. کهن‌الگوهای موقعیتی.....
۲۱.....	۴.۴.۲.۱. کهن‌الگوهای عددی.....
۲۱.....	۵.۴.۲.۱. کهن‌الگوی اشکال هندسی.....
۲۳.....	۳.۱. پیشینه‌ی پژوهش نمادهای کهن‌الگویی در ادب فارسی.....
۲۳.....	۱.۳.۱. کتاب.....
۲۳.....	۲.۳.۱. مقاله.....
۲۸.....	۳.۳.۱. پایان‌نامه.....
۲۹.....	۴.۱. کاربرد نمادهای کهن‌الگویی در آثار عرفانی.....
۲۹.....	۱.۴.۱. کاربرد نماد در آثار عرفانی.....
۲۹.....	۲.۴.۱. علل کاربرد نماد در آثار عرفانی.....
۳۲.....	۳.۴.۱. ارتباط نمادهای عرفانی و نمادهای کهن‌الگویی.....
۳۴.....	فصل دوم: کاربرد نمادهای کهن‌الگویی در مثنوی معنوی.....
۳۵.....	۱.۲. کهن‌الگوهای انسانی.....
۳۵.....	۱.۱.۲. آنیما و آنیموس.....

- ۳۹..... ۱.۱.۱.۲. آنیما در داستان پادشاه و کنیزک
- ۴۰..... ۲.۱.۱.۲. آنیما در داستان دژ هوش‌ربا
- ۴۳..... ۳.۱.۱.۲. آنیما در داستان عاشقی که از عسس گریخت
- ۴۵..... ۲.۱.۲. پیر خردمند
- ۴۸..... ۱.۲.۱.۲. پیر در داستان پادشاه و کنیزک
- ۴۸..... ۲.۲.۱.۲. پیر در داستان پیر چنگی
- ۴۹..... ۳.۲.۱.۲. پیر در داستان جستن آن درخت که هر که میوه‌ی آن خورد، نمیرد
- ۵۱..... ۴.۲.۱.۲. پیر در داستان پادشاه و پادشاه‌زاده
- ۵۲..... ۳.۱.۲. خویشتن (خود)
- ۵۳..... ۱.۳.۱.۲. گنج نماد خویشتن در داستان آن شخص که خواب دید که آنچه می‌طلبی از یسار به مصر وفا شود
- ۵۶..... ۲.۳.۱.۲. گنج نماد خویشتن در داستان فقیر روزی طلب، بی واسطه کسب
- ۵۹..... ۳.۳.۱.۲. پادشاه نماد خویشتن در داستان پادشاه و کنیزک
- ۵۹..... ۴.۳.۱.۲. شاهزاده نماد خویشتن در داستان دژ هوش‌ربا
- ۶۰..... ۵.۳.۱.۲. پادشاه نماد خویشتن در داستان پادشاه و پادشاه‌زاده
- ۶۴..... ۴.۱.۲. سایه
- ۶۶..... ۱.۴.۱.۲. جسم نماد سایه
- ۶۶..... ۲.۴.۱.۲. خشم و شهوت نماد سایه
- ۶۶..... ۳.۴.۱.۲. هوس و آرزو نماد سایه
- ۶۷..... ۴.۴.۱.۲. گرد نماد سایه
- ۶۸..... ۵.۴.۱.۲. اغراض نفسانی نماد سایه
- ۶۸..... ۶.۴.۱.۲. مادر (نفس) نماد سایه در داستان شخصی که مادرش را کشت
- ۶۹..... ۷.۴.۱.۲. شیطان نماد سایه در داستان بیدار کردن ابلیس معاویه را
- ۷۰..... ۸.۴.۱.۲. انواع برخورد با سایه

- ۵.۱.۲. قهرمان ..... ۷۳
- ۱.۵.۱.۲. من نماد قهرمان در داستان شخصی که مادرش را کشت ..... ۷۴
- ۲.۵.۱.۲. خرگوش نماد قهرمان در داستان شیر و نخچیران ..... ۷۵
- ۳.۵.۱.۲. شاهزاده نماد قهرمان در داستان دژ هوش‌ربا ..... ۷۶
- ۴.۵.۱.۲. پیر نماد قهرمان در داستان پادشاه و پادشاهزاده ..... ۷۶
- ۵.۵.۱.۲. قهرمان در داستان‌های فقیر روزی طلب و آن شخص که خواب دید که آنچه می‌طلبی از یسار به مصر وفا شود ..... ۷۷
- ۶.۱.۲. مادر ..... ۷۸
- ۱.۶.۱.۲. نمود ویژگی‌های مثبت و منفی کهن‌الگوی مادر در زبان مولانا ..... ۷۹
- ۲.۶.۱.۲. وجوه مثبت کهن‌الگوی مادر ..... ۸۰
- ۱.۲.۶.۱.۲. زن عیسوی در داستان پادشاه جهود که در هلاک دین عیسی سعی نمود ..... ۸۰
- ۲.۲.۶.۱.۲. زن در داستان زنی که فرزندش نمی‌زیست ..... ۸۰
- ۳.۲.۶.۱.۲. دایه در داستان یاری خواستن حلیمه از بتان ..... ۸۱
- ۳.۶.۱.۲. وجوه منفی کهن‌الگوی مادر ..... ۸۲
- ۱.۳.۶.۱.۲. جادوگر در داستان پادشاه و پادشاهزاده ..... ۸۲
- ۷.۱.۲. نقاب ..... ۸۳
- ۱.۷.۱.۲. نقاب در داستان شغال که در خم رنگ افتاد ..... ۸۴
- ۲.۷.۱.۲. نقاب در داستان چرب کردن مرد لافی لب و سبلیت خود را ..... ۸۴
- ۳.۷.۱.۲. مادیات نماد نقاب ..... ۸۵
- ۴.۷.۱.۲. پر و حُسن نماد نقاب ..... ۸۶
- ۵.۷.۱.۲. رنگ نماد نقاب ..... ۸۶
- ۶.۷.۱.۲. حرف و لفظ نماد نقاب ..... ۸۶
- ۷.۷.۱.۲. پوست نماد نقاب ..... ۸۷
- ۸.۷.۱.۲. پوستین شیر نماد نقاب ..... ۸۷



- ۸۷..... ۹.۷.۱.۲. نقاب مثبت در داستان آن شخص که اشتر ضالّه خود می‌جست
- ۹۰..... ۲.۲. کهن‌الگوهای طبیعی
- ۹۰..... ۱.۲.۲. آب
- ۹۱..... ۱.۱.۲.۲. آب نماد حق
- ۹۲..... ۲.۱.۲.۲. آب نماد حق در داستان کلوخ انداختن تشنه از سر دیوار
- ۹۳..... ۳.۱.۲.۲. آب نماد پاکی و پالایش
- ۹۴..... ۴.۱.۲.۲. آب نماد رشد و باروری
- ۹۵..... ۵.۱.۲.۲. آب نماد معنویت
- ۹۵..... ۶.۱.۲.۲. آب نماد حیات و زندگی
- ۹۶..... ۷.۱.۲.۲. دریا نماد وحدت و معنویت
- ۹۶..... ۸.۱.۲.۲. جوی نماد زمان و گذر عمر
- ۹۷..... ۹.۱.۲.۲. دوسویه‌گی نماد آب
- ۹۸..... ۲.۲.۲. آسمان
- ۹۸..... ۱.۲.۲.۲. آسمان نماد پدر و زمین نماد مادر
- ۱۰۰..... ۲.۲.۲.۲. آسمان نماد کمال و تمامیت
- ۱۰۱..... ۳.۲.۲.۲. آسمان نماد پایداری و قائم به نفس
- ۱۰۲..... ۴.۲.۲.۲. آسمان نماد سقف و پناهگاه
- ۱۰۲..... ۵.۲.۲.۲. آدم‌وارگی آسمان
- ۱۰۳..... ۶.۲.۲.۲. آسمان محل نزول رزق و روزی
- ۱۰۳..... ۷.۲.۲.۲. آسمان محل صدور قضا و قدر
- ۱۰۴..... ۸.۲.۲.۲. آسمان منبع نور
- ۱۰۴..... ۹.۲.۲.۲. آسمان محل اجابت دعا
- ۱۰۵..... ۳.۲.۲. خورشید

- ۱۰۶..... خورشید نماد حق ..... ۱.۳.۲.۲
- ۱۰۷..... خورشید نماد انبیا و اولیا ..... ۲.۳.۲.۲
- ۱۰۹..... خورشید نماد وحدت ..... ۳.۳.۲.۲
- ۱۰۹..... خورشید نماد گذر زمان و سپری شدن عمر ..... ۴.۳.۲.۲
- ۱۰۹..... خورشید نماد نوزایی و بی مرگی ..... ۵.۳.۲.۲
- ۱۰۹..... خورشید نماد حقیقت و معرفت ..... ۶.۳.۲.۲
- ۱۱۰..... خورشید نماد حسام‌الدین ..... ۷.۳.۲.۲
- ۱۱۰..... خورشید نماد انسان کامل ..... ۸.۳.۲.۲
- ۱۱۱..... طلوع و غروب خورشید نمادی از تولد و مرگ ..... ۹.۳.۲.۲
- ۱۱۲..... درخت ..... ۴.۲.۲
- ۱۱۳..... پیوند درخت با انسان ..... ۱.۴.۲.۲
- ۱۱۴..... درخت، انگاره‌ی نسب‌شناسی ..... ۲.۴.۲.۲
- ۱۱۴..... درخت نمودار عالم ..... ۳.۴.۲.۲
- ۱۱۵..... درخت نماد جاودانگی و بقا ..... ۴.۴.۲.۲
- ۱۱۶..... پیوند درخت با خدا ..... ۵.۴.۲.۲
- ۱۱۷..... درخت نماد بازگشت به اصل واحد ..... ۶.۴.۲.۲
- ۱۱۹..... درخت نماد باروری و تأیید ..... ۷.۴.۲.۲
- ۱۲۰..... درخت نماد عمر و سپری شدن زمان ..... ۸.۴.۲.۲
- ۱۲۰..... درخت نماد نوزایی و تجدید حیات ..... ۹.۴.۲.۲
- ۱۲۲..... کهن‌الگوهای موقعیتی ..... ۳.۲
- ۱۲۲..... تولد دوباره ..... ۱.۳.۲
- ۱۲۵..... پیامبر، زاده‌ی ثانی ..... ۱.۱.۳.۲
- ۱۲۶..... گل نیلوفر نماد تولد دوباره ..... ۲.۱.۳.۲

- ۱۲۶..... تولد دوباره در داستان طوطی و بازرگان ..... ۳.۱.۳.۲
- ۱۲۷..... تولد دوباره در داستان آبگیر و صیادان و سه ماهی ..... ۴.۱.۳.۲
- ۱۲۹..... خواب ..... ۲.۳.۲
- ۱۳۰..... خواب در داستان پادشاه و کنیزک ..... ۱.۲.۳.۲
- ۱۳۰..... خواب در داستان پیر چنگی ..... ۲.۲.۳.۲
- ۱۳۱..... خواب در داستان بلال حبشی و ماجرای معاتبه مصطفی (ع) با ابوبکر ..... ۳.۲.۳.۲
- ۱۳۲..... خواب در داستان فقیر روزی طلب بی واسطه‌ی کسب ..... ۴.۲.۳.۲
- ۱۳۳..... خواب در داستان پادشاه و پادشاه‌زاده ..... ۵.۲.۳.۲
- ۱۳۴..... سفر ..... ۳.۳.۲
- ۱۳۴..... سفر و طلب ..... ۱.۳.۳.۲
- ۱۳۵..... سفر در داستان دقوقی و کراماتش ..... ۲.۳.۳.۲
- ۱۳۷..... سفر در داستان دژ هوش‌ریا ..... ۳.۳.۳.۲
- ۱۳۷..... سفر در داستان جستن آن درخت که هر که میوه‌ی آن خورد نمیرد ..... ۴.۳.۳.۲
- ۱۳۸..... سفر در داستان آن شخص که خواب دید که آنچه می‌طلبی از یسار به مصر وفا شود ..... ۵.۳.۳.۲
- ۱۳۹..... کهن‌الگوهای عددی ..... ۴.۲
- ۱۳۹..... اعداد ..... ۱.۴.۲
- ۱۳۹..... سه ..... ۱.۱.۴.۲
- ۱۴۲..... چهار ..... ۲.۱.۴.۲
- ۱۴۴..... پنج ..... ۳.۱.۴.۲
- ۱۴۵..... هفت ..... ۴.۱.۴.۲
- ۱۴۷..... چهل ..... ۵.۱.۴.۲
- ۱۵۰..... کهن‌الگوی اشکال هندسی ..... ۵.۲

۱۵۰.....	۱.۵.۲. ماندالا.....
۱۵۳.....	۱.۱.۵.۲. دایره نماد امنیت و حفاظت.....
۱۵۴.....	۲.۱.۵.۲. خورشید نماد تمامیت و کمال.....
۱۵۵.....	۳.۱.۵.۲. گل نماد تمامیت و کمال.....
۱۵۶.....	۴.۱.۵.۲. گوی نماد تمامیت و کمال.....
۱۵۸.....	نتیجه‌گیری.....
۱۶۲.....	فرهنگواره‌ی نمادهای کهن‌الگویی در مثنوی معنوی.....
۱۶۴.....	منابع و مآخذ.....

## مقدمه

### بیان مسئله

در این پژوهش برآنیم تا پس از بررسی مفاهیم و موضوعات اصلی مربوط به نظریه‌ی روانشناختی یونگ درباره‌ی کهن‌الگوها، چگونگی راهیابی نمادهای کهن‌الگویی به مثنوی مولوی را مورد مطالعه قرار دهیم. بر پایه‌ی این نظریه، کهن‌الگوها از محتویات ناخودآگاه جمعی روان آدمی‌اند و به شکل نمادین در آثار ادبی، اسطوره‌ها و رؤیاها تجلی می‌کنند. نماد، شکل بیرونی کهن‌الگوهاست و کهن‌الگوها به یاری نمادها فرصت ظهور می‌یابند. کاربرد نمادها در مثنوی بسیار چشمگیر است. پژوهش حاضر به بررسی نمادهای کهن‌الگویی در این اثر بزرگ عرفانی می‌پردازد. این نمادها در پنج طبقه‌ی کهن‌الگوهای انسانی، طبیعی، موقعیتی، عددی و هندسی مورد مطالعه قرار می‌گیرد. تحلیل کهن‌الگوهای مثنوی علاوه بر این که به فهم بهتر نظریه‌ی روانشناختی یونگ کمک می‌کند، می‌تواند راهگشای فهم بسیاری از افکار و اندیشه‌های شگرف مولانا باشد.

### اهداف تحقیق

- بررسی نظریه‌ی یونگ درباره‌ی کهن‌الگوها و نمادهای کهن‌الگویی.
- کندوکاو در رابطه‌ی متقابل زبان عرفان و نمادهای کهن‌الگویی.
- مطالعه‌ی نمادهای کهن‌الگویی مثنوی به عنوان یکی از مهم‌ترین متون ادبیات عرفانی فارسی.

## فرضیه و سؤال‌های تحقیق

۱. نمادهای کهن‌الگویی چه ویژگی‌هایی دارند؟
۲. مهم‌ترین کهن‌الگوها کدام‌اند و مولانا چگونه در اشعار خود از آن‌ها بهره برده است؟
۳. در مثنوی به عنوان یک اثر بزرگ عرفانی، نمادهای کهن‌الگویی بسیاری به کار رفته است.
۴. موضوع عرفان به نمادهای کهن‌الگویی مثنوی، محتوای روشن‌تر و ژرف‌تری بخشیده است و به خوبی نظریات روان‌شناسان جدید را در این باره تأیید و حتی تکمیل می‌کند.

## پیشینه‌ی تحقیق

با توجه به این که متون ادبی کلاسیک و معاصر شعر فارسی ظرفیت قابل توجهی برای نقد دارند، در زمینه‌ی نقد ادبی و تحلیل و بررسی متون با رویکرد نقد روان‌شناسانه و اسطوره‌ای، تحقیقات و پژوهش‌های فراوانی انجام گرفته است. از میان متون کلاسیک، متونی چون: شاهنامه، اشعارسنایی، نظامی، مثنوی‌های عطار، اشعارخاقانی، غزلیات شمس و داستان‌های مثنوی و از متون معاصر اشعار شاعران نوپردازی چون: نیما، شاملو، اخوان، سپهری، شفیعی کدکنی، صفارزاده و موسوی‌گرمارودی مورد نقد و تحلیل کهن‌الگویی قرار گرفته‌اند. تحقیقاتی که در این زمینه و در ارتباط با مثنوی و نمادهای کهن‌الگویی انجام گرفته است، شامل یک پایان‌نامه و چندین مقاله‌ی علمی - پژوهشی است. با این همه تاکنون پژوهشی جامع در تمام کتاب مثنوی با موضوع نمادهای کهن‌الگویی انجام نیافته است و با توجه به این که مثنوی اثری عرفانی و شاهکاری ادبی و هنری است، قابلیت‌های زیادی برای انجام این‌گونه تحقیقات دارا می‌باشد.

## روش تحقیق

در انجام این تحقیق روش اسنادی- کتابخانه‌ای به کار گرفته شده است و پس از بررسی و مطالعه‌ی کتابها و مقالات مربوط به موضوع پژوهش و فیش‌برداری از این منابع، به تحلیل داده‌ها و اثبات فرضیه‌ها در متن مورد نظر یعنی مثنوی معنوی پرداخته شده است و کوشیده‌ایم نمادهای کهن‌الگویی مثنوی در نظمی قابل قبول مورد تحلیل قرار گیرند و از این رو، طی فصل اول که کلیات را دربردارد، با ارائه‌ی طبقه‌بندی‌هایی که برای کهن‌الگوها می‌شناخته‌ایم، طبقه‌بندی جدیدی از آنها شامل کهن‌الگوهای انسانی، کهن‌الگوهای طبیعی، کهن‌الگوهای موقعیتی، کهن‌الگوهای عددی و کهن‌الگوهای هندسی به دست داده‌ایم و سپس، طی فصل دوم که تحلیل نمادهای کهن‌الگویی مثنوی را دربردارد، این نمادها را ذیل آن طبقات گنجانده‌ایم.

# فصل اول:

کلیات



## ۱.۱. در آمدی بر مفهوم ناخودآگاه جمعی<sup>۱</sup> و کهن‌الگو<sup>۲</sup>

### ۱.۱.۱. ناخودآگاه جمعی

بخش گسترده‌ای از روان آدمی که مبهم، ناشناخته و پر رمز و راز می‌باشد به ناخودآگاه وی اختصاص دارد. اصطلاح ناخودآگاه پیش از یونگ، توسط فروید (۱۹۳۹-۱۸۵۶) به صورت علمی به اثبات رسیده بود. فروید روان انسان را به سه بخش «خودآگاه»، «نیمه آگاه» و «ناخودآگاه» تقسیم کرده بود و ذهن را شبیه به کوه یخ شناوری می‌دانست که خودآگاه بخش بالایی آن و ناخودآگاه بخش پایینی و بزرگ‌تر آن است که در زیر آب قرار دارد. «ناخودآگاه در دید فروید مخزن تأثرات پس‌زده و فراموش شده است و فقط در ارتباط با آنان معنی پیدا می‌کند. علاوه بر آن ناخودآگاه به مفهوم فروید به غایت شخصی است.» (شایگان، ۱۳۸۱: ۲۰۶) اما کارل گوستاو یونگ<sup>۳</sup> (۱۹۶۱-۱۸۷۵) به واسطه‌ی تحقیقات گسترده‌تری که در زمینه‌ی ذهن و ضمیر انسان انجام داد به مفهوم ناخودآگاه وسعت بیشتری بخشید و در برابر ناخودآگاه شخصی که فروید هم به آن اذعان داشت ناخودآگاه جمعی را مطرح کرد که ورای ادراکات، احساسات و امیال فردی ماست و گنجینه‌ای از تجربیات و اندیشه‌ها و احساسات انسان‌های نخستین و نیاکان ما تا به امروز است. محتویات این لایه از ناخودآگاه، فطری و مربوط به دوران پیش از کودکی است که در تک‌تک انسان‌ها به صورت واحد و متحدالشکل وجود دارد و در هر زمان و مکانی یکسان است. به نظر یونگ برقراری ارتباط با ناخودآگاه جمعی موجب حفظ تعادل روانی می‌گردد. با این وصف «ناخودآگاه دارای تعداد بی‌شماری مایه‌های اصلی یا الگوهای با خصلت کهن است که در اصل با انگاره‌های ریشه‌ای اسطوره‌ها و صورت‌های فکری مشابه آنان همانند است.» (یونگ، ۱۳۹۰: ۱۷۹) «ناخودآگاه جمعی را به سادگی می‌توان بیان روانی هویت مغز دانست که به تمام

<sup>۱</sup>.Collective Unconscious

<sup>۲</sup>.Archetype

<sup>۳</sup>.Carl Gustav Jung

تفاوت‌های نژادی بی‌اعتناست. این موضوع تبیین‌کننده‌ی مشابهت و پاره‌ای اوقات حتی هویت میان مضامین اسطوره‌ها و نمادها و امکان ارتباط مشترک انسانی به گونه‌ای گسترده است. «یونگ، ۱۳۸۳: ۲۸) به اعتقاد یونگ «روان آدمی هنگام تولد بسان لوحی سفید و نانوشته نیست بلکه گنجینه‌ای است از نمادها و تصاویر شگفت که ردپای همه آدمیزادگان در طی روزگاران در آن دیده می‌شود.» (یونگ، ۱۳۷۶: ۱۱) از همین دیدگاه: «ناخودآگاه جمعی حاصل ژرف‌ترین تجربه و خرد جمعی بشریت است که تبار انسان در درازنای زمان به آن دست یافته و آن‌ها در نهانخانه‌ی نامعلوم و ژرفاهای تاریک و باریک درون آدمی برهم انباشته است.» (یونگ، ۱۳۷۶: ۱۰، ۱۱) این تجربیات ژرف و عمیق انباشته در ناخودآگاه روان آدمی، **کهن‌الگو** نامیده می‌شود.

#### ۲.۱.۱. کهن‌الگو

صورت مثالی، صورت ازلی، نمونه ازلی، کهن‌نمونه، کهن‌الگو، نمونه‌ی اولیه و سنخ‌های باستانی ترجمه‌های متفاوتی از آرکی‌تایپ است. «واژه‌ی مترادف آن "پروتوتایپ" به معنای شکل اولیه و یا مدل و نمونه‌ی ابتدایی و اصلی است.» (کالوین، ۱۳۷۵: ۵۶) "آرکی‌تایپ" به یونانی ارکتوس تیپوس است و تاریخ دیرینه‌ای در فرهنگ غرب دارد. در فلسفه‌ی فیلون اسکندری این لفظ را "صورت الهی" می‌نامند. در رساله هرمتی خدا را "نور آرکتیپی" می‌گویند. در فلسفه‌ی "اگوستین قدیس" نیز کلمه‌ی "ارکتیپ" نیامده ولی مفهومش مستتر است. اگوستین در اشاره به آن می‌گوید: ایده‌هایی که خود صورت نگرفته‌اند ولی در عقل الهی موجودند. می‌توان گفت مفهوم "اعیان ثابت" در عرفان اسلامی بی‌شبهت به "ارکتیپ" یعنی "ارکتیپ‌فی‌نفسه" نیست. «(شایگان، ۱۳۸۱: ۲۰۸، ۲۰۹) «یونگ می‌گوید که واژه‌ی سرنمون (archetype) نخستین بار به زبان فیلولودانوس می‌آید که به Imago Dei (تصویر خدا) در انسان اشاره می‌کند.» (مورنو، ۱۳۷۶: ۷)

روژه باستید با اشاره به این که یونگ مفهوم صورت مثالی را از بورکهارت گرفته، می‌گوید: «می‌دانیم که یونگ این مفهوم صورت مثالی را از یاکوب بورکهارت (Jacob Burckhardt) به عاریت گرفته و با تعبیری از قبیل: "تصویر اولی یا آغازین"، "تصویر اصلی"، "مسطوره"، "رسوبات حافظه" تعریف کرده است و این بدین معنی است که صور مثالی از دورترین تاریخ حیات نژاد به میراث مانده است و در واقع آثاری از نخستین تجارب آدمی در صحنه‌ی هستی و طبیعت و در قبال دیگر هم‌نوعان و نیز در حق خویشتن خویش است که موروثی شده‌اند.» (باستید، ۱۳۷۰: ۶۸) پالمر نیز در کتاب خود با عنوان *فروید، یونگ و دین می‌نویسد*: «ابداع مفهوم کهن‌الگو را به افلاطون نسبت می‌دهند - واژه‌ی کهن‌الگو به عنوان "بیانی تفسیری" از مُثُل افلاطون مبنی بر آنکه همه‌ی موجودات، مخلوقات ساختگی هستند، اتخاذ شد.» (پالمر، ۱۳۸۵: ۱۶۷) «به عقیده‌ی یونگ سابقه‌ی این مفهوم را می‌توان در فلاسفه‌ای چون "کاروس" و "هارتمان" پیدا کرد.» (همان، ۲۰۶) چنان که میرچا الیاده می‌نویسد: «یونگ آنها را تا حدی شبیه "اندیشه ابتدایی" باستان یا "تصاویر ازلی" بورکهارت می‌دانست.» (الیاده، ۱۳۸۸: ۱۰۹)

یونگ در این باره می‌نویسد: «این نظریه‌ی من درباره صورت‌های ازلی و سایق بر هوش و آگاهی به هیچ وجه اختراع خود من نیست و دلیل آن این است که اصطلاح آرکی تایپ از قرن‌های اولیه میلادی وجود داشته است. در مورد مخصوص روان‌شناسی به این نظریه در آثار آدولف باستان و بعدها در آثار نیچه بر می‌خوریم.» (یونگ، ۱۳۷۲: ۲۹)

آنچه گذشت درباره‌ی پیشینه‌ی واژه و مفهوم آرکی تایپ بود، اما پژوهشگران در تعریف آن، چه نوشته‌اند؟

یونگ در *انسان و سمبول هایش کهن‌الگو* را چنین تعریف می‌کند: «کهن‌الگو در واقع یک گرایش غریزی است و به همان اندازه قوه‌ی محرکی که سبب می‌شود پرنده آشیانه بسازد و مورچه زندگی

تعاونی خود را سازمان دهد، کاراً می‌باشد.» (یونگ، ۱۳۸۹: ۹۶) مایکل پالمر نیز در تعریف **کهن‌الگوها** و چگونگی عملکرد آنها در ذهن و روان آدمی می‌گوید: «واژه‌ی کهن‌الگو به معنای اندیشه به ارث رسیده نیست بلکه در عوض یک شیوه‌ی ارثی کنش روان است که همانند روش بیرون آمدن جوجه از تخم، لانه‌سازی پرندگان، نیش‌زدن عقرب به گره عصبی یک هزارپا و راه‌یابی مارماهی‌ها به آب‌های شیرین است. به بیان دیگر یک الگوی رفتار است.» (پالمر، ۱۳۸۵: ۱۵۰)

یونگ درباره‌ی ارتباط کهن‌الگوها با غرایز می‌نویسد: «غریزه کششی جسمانی است که به وسیله‌ی حواس دریافت می‌شود البته غرایز بوسیله‌ی خیال‌پردازی هم بروز می‌کنند و اغلب تنها به وسیله‌ی نمایه‌های نمادین حضور خود را آشکار می‌سازند و من همین بروز غرایز را "کهن‌الگو" نامیده‌ام.» (یونگ، ۱۳۸۹: ۹۶) او در پاسخ به کسانی که معتقد بودند صور مثالی موروثی نیستند می‌نویسد: «درعالم واقعیت آنها به قلمرو فعالیت غرایز تعلق دارند و از این رو گونه‌های موروثی رفتار روانی محسوب می‌گردند.» (گورین، ۱۳۷۰: ۱۹۳) «وی هم‌چنین از انسان‌شناسانی که کهن‌الگوها را رخدادهای اجتماعی تلقی می‌کردند که از یک نسل به نسل دیگر انتقال می‌یابد فاصله می‌گیرد و تأکید می‌کند که صور مثالی در واقع بازتاب رخدادهای روانی و فطری‌اند.» (همان، نقل به مضمون)

کهن‌الگوها که محتویات ضمیر ناخودآگاه جمعی هستند به شکل‌های مختلفی در زندگی انسان بازتاب می‌یابند که از جمله‌ی آنها رؤیاها، اساطیر، تخیلات فردی، مناسک مذهبی، هنرهای تجسمی و آفرینش‌های ادبی و ... هستند و نمونه‌های فراوانی از این تصاویر و الگوهای ذهنی را در درون خود به شکلی نمادین به ظهور می‌رسانند.

### ۱.۲.۱.۱. کهن‌الگو و اسطوره